

دانشگاه تهران

دانشکده هنرهای زیبا

پایان نامه کارشناسی ارشد معماری

۱۳۸۰ / ۱۰ / ۲۱

016328

طرح مرکز آموزشی ، پژوهشی ، درمانی زنجان

استاد راهنما : مهندس محمدعلی مدد

تهیه و تدوین : محمدمصدق جمشیدی

شهریــــــــــــــــور : ۱۳۷۰



۳۹۷۹۳

* با تقدیر فراوان از استاد محترم جناب آقای مهندس
محمد علی مدد به خاطر راهنمایی های موثر و ارزنده ایشان
در طول تهیه طرح و رساله نهائی . .

* تقدیم به پدرم - بزرگواری که با تحمل تمام سختی ها
امکانات پرورشی و تحصیلات عالی
را برای فرزندان خود در خدمت به
جامعه فراهم نموده است . .

* تقدیم به مادر مهربانم ،

همسر صبورم و

فرزندم

۳۹۷۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱ - ۵	۱ - مقدمه
۵ - ۶	۲ - مشخصات جغرافیایی استان زنجان
۶ - ۷	۳ - مشخصات جمعیتی استان زنجان
۷ - ۸	۴ - سابقه تاریخی
۸ - ۱۱	۵ - میراث فرهنگی زنجان
۱۱ - ۱۷	۶ - سبک آذری
۱۷ - ۱۸	۷ - سیماي آموزش عالی در ایران
۱۸ - ۲۵	۸ - نظام طلبگی
۲۵ - ۳۰	۹ - شیوه جدید آموزش عالی در ایران
۳۰ - ۳۵	۱۰ - بررسی نظام برنا مهریزی بهداشتی درمانی ایران
۳۵ - ۳۹	۱۱ - نظامهای عرضه خدمات بهداشتی درمانی درجهان
۳۹ - ۴۶	۱۲ - واحدهای عرضهکننده خدمات بهداشتی - درمانی
۴۶ - ۵۱	۱۳ - واحدهای بهداشتی درمانی و آموزشی موجود استان
۵۱ - ۶۰	۱۴ - معرفی پزشکان مشهور دوران باستان تا قرن بیستم . .
۶۰ - ۶۲	۱۵ - پزشکی در ایران باستان
۶۲ - ۷۱	۱۶ - معرفی پزشکان مشهور ایران در دوران اولیه اسلامی . .
۷۱ - ۸۲	۱۷ - بیمارستانهای معروف ایران و کشورهای اسلامی
۸۲ - ۸۶	۱۸ - زمینه تاریخی طب اسلام
۸۶ - ۹۳	۱۹ - قوانین پزشکی در ایران و کشورهای اسلامی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۳ - ۹۵	۲۰ - طبابت و پرستاری در اسلام
۹۵ - ۱۰۴	۲۱ - بیمارستان در غرب
۱۰۴ - ۱۰۸	۲۲ - طرح بیمارستان
۱۰۸ - ۱۲۱	۲۳ - برنا مهریزی کلی بیمارستان
۱۲۱ - ۱۳۳	الف : منطقه پرستاری
۱۳۳ - ۱۴۷	ب : منطقه کلینیکی
۱۴۷ - ۱۵۱	ج : منطقه پشتیبانی
۱۵۱ - ۱۵۳	۲۴ - بخش پژوهشی ضمیمه :
۱۵۳ - ۱۶۳	الف : مشخصات اقلیمی زنجان
۱۶۳ - ۱۹۶	ب : برنا مه فیزیکی
۱۹۶	ج : فهرست منابع و مآخذ

مقدمه:

سرماندهی به فضا های آموزشی ، درمانی به لحاظ اهمیت روابط بین بخش های تشکیل دهنده آن ، از پیچیدگی و دشواری خاصی برخوردار است ، ارجحیت این روابط در طراحی بیمارستان ، طرح ها را به سوی یکنواختی هدایت کرده است . و از سوی دیگر این روابط خود ناشی از تجهیزات پزشکی و روش های معالجه می باشد . پیشرفت های لحظه به لحظه در تولید تجهیزات جدید و با لابردن کیفیت و تغییرا بعدا یی ——— تجهیزات ، روشهای خدمات درمانی و طبعا " طرح های بیمارستانی را در حاله ای از ابهام فرو برده است .

شهرزنگان در دهه های اخیر با گسترش فوق العاده ای روبرو شده است و این در حالی است که در این شهر حتی یک بیمارستان منطبق با نیازهای روز وجود ندارد . هرچند اهمیت و ارجحیت بهداشت نسبت به درمان کاملاً واضح می باشد ولی با رعایت بهداشت کامل نیز نمی توان بی نیاز از واحدهای درمانی بود ، چون عواملی غیر قابل کنترل همیشه وجود دارند که ما را به ایجاد این واحدها ملزم می سازند . در این راستا موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی بیمارستان آموزشی ، پژوهشی ، درمانی زنگان انتخاب شده است . برای این منظور لازم بود دو کار عمده قبل از طراحی صورت پذیرد ، در

مرحله اول عملکرد بیمارستان و ملحقات آن را شناخت ، از گذشته این حرفه به عنوان چراغ راه آینده آگاهی حاصل نمود و آینده را در دورنمای معقولی تصور نمود و در مرحله دوم ، محل استقرار طرح را شناخت .

روش اعمال شده در فرآیند طراحی ، از شناخت گذشته حرفه پزشکی خصوصا " در کشور خودمان و بیمارستانهای قدیمی شروع شده و با شناخت امکانات و روشهای موجود ادامه می یابد و با ارائه طرح پیشنهادی پایان می پذیرد .

بیمار کیست ؟

بیمارستان برای درمان بیماران و ارائه خدمات بهداشتی به‌جا معه برای پیشگیری از بیماری و درم—وارد آموزشی برای آموزش و پژوهش فعالیت می‌کند ، لذا لازم است بیماری‌ها و بیماران را شناخت .

شناخت بیماریها به‌ما کمک می‌کند فضا های لازم را به تجهیزات درمانی آن اختصاص بدهیم و شناخت بیماری را زجنه — های روانی و فیزیولوژیکی به‌ما کمک می‌کنند نه فقط درخور عملکردهای درمانی ، بلکه درخور نیازهای روانی و معنوی اوفضا های لازم را طراحی کنیم . بیماری یعنی " کسی که سلامتی خود را به‌میزان نسبی از دست داده است . " طی مسیر بیمار به داخل بیمارستان می‌تواند بصورت زیر بررسی گردد :

— رفتن به بیمارستان بوسیله ماشین یا آمبولانس

— ورود به بیمارستان از طریق اورژانس یا درمانگاه یا ورودی اصلی با وقت قبلی و با همراه ، یا بی همراه با برانکار ، یا سوپا یا با صندلی چرخدار

— مصاحبه برای پذیرش و ثبت مشخصات فردی

— تعویض لباس و دادن لوازمات به بخش امانات

— رفتن به اتاق بستری با آسانسور یا صندلی چرخدار یا برانکار ، یا راهنما

— معاینه فیزیکی در اتاق بستری یا دفتر پزشک —

جای دیگر .

— آزمایشات تشخیصی (آزمایشگاه یا رادیولوژی)

روال عادی روزانه بیمار می‌تواند بشرح زیر باشد :

— بیدار شدن و شستشوی دستها و سرویس

— صرف صبحانه و مصرف دارو قبل یا بعد از صبحانه

— گرفتن فشارخون و ثبت سایر علائم حیاتی لازم

— تعویض ملحفه ، رفتن به رادیولوژی ، فیزیوتراپی و ..

— نظافتچی اطاق را تمیز کرده ، سطل زباله را خالی می‌کند

— بازدید دکتر ، رزیدنت ها و نترن ها بصورت دسته‌جمعی

— خروج از تخت و گردش در اتاق روز

— برگشت به تخت و آماده شدن برای نهار و مصرف دارو قبل یا

بعد از نهار

— خواب ظهر

— هجوم ملاقات کنندگان با یا بدون مراعات سکوت و بهداشت

بیمارستان

— رفتن ملاقات کنندگان

— استفا ده سرویس

— استراحت عصرانه

— شام قبل یا بعد از نهار

— خواب

در تمام این مدت بنا به دستور پزشک ممکن است پرستار و هر دو یا

سه ساعت بر بالین بیما رجا ضر شده و موارد مثبت شده را انجام دهد .
ما در آن به نزدیک بودن نوزادان خود طالبند ، زنان
و پیر مردان سر حال به هم اطاقهای خوش صحبت علاقه نشان
میدهند . بیماران طرفدار فوتبال حتی در بستر بیماری هم
ننایج رقابت تیم های مورد علاقه خود را دنبال می کنند و این
درجالیست که علاقه مندان به مسائل سیاسی دنبال روزنامه
و شنیدن اخبار می باشند .

ابعاد اتاق ، رنگ ، تناسب فضا ، قرارگیری پنجره
و داشتن منظره ، قرارگیری درب ورودی با تخت بیمار ،
امکان تماس تلفنی با بیرون ، کسب اطلاعات از وضعیت درمان
خود ، کارهای به تعویق افتاده و امثالهم تماما " میتوانند
برای بیمار مطرح باشند .

شفاخانه . [ش ي ا ن ي ا ن] (ا م ر ک ب) بيمارستان. (ناظم الاطباء). دارالشفاء، و آن مکانی بود که ملوک و امرا برای معالجه غریبا و مساکین مقرر سازند. (آندراج) :

دل مارا که زمار سرزلف تو بخت
از لب خود به شفاخانه تریاک انداز.
حافظ .

مستی را که خماری نبود درد نبال
از شفاخانه آن نرگس بیمار طلب.
صائب تبریزی.

|| اداره ایست که بده بهداشت شاگردان
آموزشگاهها رسیدگی کرده و بیماران را
درمان می کند بیشتر (پست صحنی امدادی
مدارس) گفته می شد. (۲) (لغات فرهنگستان).

شفا دادن . [ش ي ا ن ي ا ن] (مص مرکب)
بهبود بخشیدن. درمان کردن. چاره کردن. درد.
درست کردن. تندوست کردن . به کردن از-
بیماری. (یادداشت مؤلف) :

باز اعمال خیر و ساختن توشه آخرت از علت
گناه از آن گونه شفا میدهد. (کلیله و دمنه).

جواب سرد فرستی شفا دل ندهد
شفا چگونه دهد چون گلاب باشد سرد.
خاقانی.

نطقش معلمی که کند عقل را ادب
خلقهش مفرحی که دهد نفس را شفا.
خاقانی.

آزور ثانی منم یافته از وی حیات
عیسی دلها وی است داده تنم را شفا.
خاقانی.

باد بهار من نفس آریا ه است
بیماری نسیم شفا می دهد مرا.
صائب تبریزی.

امثال ؛
اگر سخن از سخن دان پرسند شفا تواند داد .
(فارسی نامه ابن بلخی) .
نه کور می کند نه شفا می دهد .

بیمارسان . (ص مرکب) بیمار مانند
چهران بمعنی مانند هم آمده است. (برهان).
(از آندراج) . بیمار مانند . (ناظم الاطباء)
بیمارگونه .

بیمارسان . (ا م ر ک ب) بیمارستان که
بمری دارالشفاء خوانند . (م هان) . بیمار-
ستان بود و آنرا مارسان و مارستان نیز گویند
و بنازی دارالشفاء خوانند. (فرهنگ جهانگیری).
مخفف بیمارستان . (رشیدی) (آندراج)
(از ناظم الاطباء) :

بسا شارسان گشت بیمارسان
بسا گلستان نیز شد خارسان.
فردوسی .

بلوگفت گودوزه بیمارسان
قراجای زیباتراز شارسان .
فردوسی .

بیمارخیز . (ص مرکب) کسیکه از
بیماری برخاسته باشد و اغلب که خیز در-
این ترکیب بمعنی خاستن است، یعنی کسیکه
خاستن او مثل بیماران بود و این در حالت
نقاوت باشد . (بهار صبح) (آندراج) .
بیمارنك . بیمارضیح :

چون معالجت خواهی کردن اندیشه کن از
خورشهای پیران و جوانان و بیمار خیزان .
(قاهریه نامه) .

چو دوید از زحمت مردم گریزان
فتان خیزان تراز بیمار خیزان .
نظامی .

فریبنده چشمی جفا جوی و تیز
دوایشش بیمار و بیمار خیز .
نظامی .

بیمارخانه . [ن] (ا م ر ک ب)
بیمارستان . درمانخانه . خانه و عمارتی
که در بعضی شهرها بسازند و بیمارانرا
در آنجا براندو طبیب دیوانی بمعالجت ایشان
پردازد و بمری دارالشفاء خوانند و بیمارسان
مخفف بیمارستان و مارستان معرب آن .
(از بهار صبح) (از آندراج) . مرضخانه .
دارالمرضی . شفاخانه . (یادداشت مؤلف).
مرضخانه و بیمارستان . (از ناظم الاطباء).
رجوع به مجموعه مترادفات و نیز رجوع
به دارالشفاء و مرضخانه شود.

بیمار شدن . [ش د] (مص مرکب)
فاتندوست شدن . ناخوش شدن . دچار بیماری
شدن . تن بیمار گشتن . اعتلال . (تاج المصادر
بیهقی) . سقم . (ترجمان القرآن) (دهار)
لوعه . (منتهی الارب) (تاج المصادر بیهقی).
مرض . (منتهی الارب). مرض شدن . و رجوع
و علیل گشتن ؛ نغم ، (ترجمان القرآن) دنف ،
بیمار گران شدن . (منتهی الارب) :

بسیار بخوردند و نبردند گمانی
کز خوردن بسیار شود مردم بیمار .
فرخی .
چون بیری آتش اندر تو رسد زنده شوی
چون شوی بیمار بهتر گردی از گردن زدن .
منوچهری .

گفتی که ببرد دل صبر است طیبی اما
امروز طبیعت شد بیمار نگه دارش .
خاقانی .

آنرمان که میشود بیمار تو
میکنی از جرم استفار تو .
مولوی .

چون خریدار او بر خور داور شد
آن کنیزك از قضا بیمار شد .

بیمارستان . [ر] (ا م ر ک ب)
(مرکب از : بیمار + ستان ، ادات مکان)
خانه و عمارتی که سلاطین در بعضی شهرها
بسازند و بیمارانرا آنجا طبیب دیوانی معالجت
نماید و آنرا بیمارسان و مارستان نیز گویند .
(از انجمن آرا) . بیمار خانه . مارستان .
(آندراج) . عمارت و خانه ای که جهت بیماران
بناشده و در آنجا بیماران بی بضاعت و بی کس
را پذیرفته مجاناً و بلا عوض آنانرا تدای
کرده و دوا و غذا میدهند و پرستاری میکنند .
(از ناظم الاطباء) . دارالشفاء . دارالمرضی .
مرضخانه . (یادداشت مؤلف). (دهار) :

و بیمارستان عضدی هست اما بخلل شده
است (فارسی نامه ابن بلخی ص ۱۳۳) .
و جامع و بیمارستان نیکو ساخته اند . (در -
نیروز آباد) . (فارسی نامه ابن بلخی ص ۱۳۹) .

بیماریان . (ا م ر ک ب) بیمار دار .
بیماروان . پرستار . (یادداشت مؤلف) . بیمار
بیمارپرست .

بیمار دار . (ن ف مرکب مرخم)
مریض دار . که او را بیمار و رنجور باشد .
|| آنکه متمه خدمت بیمار باشد . (آندراج) .
پرستار و مواظب شخص بیمار . (ناظم الاطباء)
پرستار . پرستان . بیماروان . بیماریان .
(یادداشت مؤلف) :

هر کجا باشد دلی می چینه از چشم تو درود
هر کجا نازی بود بیمار دار چشم تست .
صائب (بنقل آندراج) .

استان زنجان در قسمت مرکزی و شمال غربی کشور واقع شده است و با ۸ استان هم مرز می باشد از شمال به استان های آذربایجان شرقی و گیلان ، شمال شرقی به استان مازندران از شرق به استان تهران ، از جنوب به استان های مرکزی و همدان کردستان و از غرب به آذربایجان غربی محدود می شود .

مساحت آن بالغ بر ۳۶۳۸۲ کیلومتر مربع می باشد و از ۱۴ شهر و ۳۸ دهستان تشکیل گردیده است و مرکز آن شهر زنجان می باشد .

استان زنجان در ۴۷ درجه و ۸ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول شرقی نصف النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۲۷ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۰ دقیقه عرض شمالی خط استوا قرار دارد .

استان در تداوم رشته کوه البرز قرار دارد ، رشته کوه های شمالی آن ، کوه های معروف طالقان - سیالان - الموت و مرتفع ترین نقطه این رشته کوه ها ، تخت سلیمان با ارتفاع ۴۴۰۰ متر و قلل دیگر آنان قلله کلاهی با ارتفاع ۲۹۷۴ متر ، قلله باکلور با ارتفاع ۲۹۸۹ متر و کوه های شمال زنجان که قلله معروف آن چله خانه با ارتفاع ۲۷۷۵ متر می باشد ، در جنوب غربی استان کوه جانداغ - کوه رستم ، کوه قیدار ، کوه خورجهان و

می باشد .

منابع آب مورد نیاز استان از دو منبع سطحی و زیرزمینی تامین می شود بطوریکه منابع آب های سطحی شامل ۱۴۳ رشته رودخانه فصلی و ۱۹ رشته رودخانه دائمی می باشد که مهم ترین آن قزل اوزن و منابع آب زیرزمینی شامل چاه های عمیق و نیمه عمیق و قنات ها و چشمه ها می باشد . در این استان ۱۱۰۰ - حلقه چاه عمیق و ۳۶۰۰ حلقه چاه نیمه عمیق بوده که تخلیه آبی به مقدار ۱۳۱۶۳۶ میلیون متر مکعب در سال دارند و با عبث شده اند آبدهی قنات کمتر گردد . تعداد قنات استان ۹۷۰ مورد می باشد ، به علاوه حفرچاه های عمیق با عبث پائین رفتن سطح آب های زیرزمینی به مقدار قابل ملاحظه ای گردیده است که لزوم برخورد علمی با موضوع را می طلبد .

آب و هوای استان زنجان با وجود عوارض مرتفع و تماس غیر مستقیم با هوای مرطوب مدیترانه صرف نظر از خصوصیات محلی و همچنین آب و هوای جلگه ای که در پناه رشته های عظیم قرار گرفته اند حدفاصل بین آب و هوای صحرائی و آب و هوای مدیترانه ای است . بدلیل موقعیت تقریباً " کوهستانی " استان ، باد های مرطوب از شمال غرب بهره میگیرند و بخارات مرطوب اقیانوس اطلس و مدیترانه را بطرف شرق رانده و در بر خورد با ارتفاعات موجب ریزش برف و باران میگردند .

شهر زنجان :

مشخصات جمعیتی استان ، شهرستان و شهر زنجان

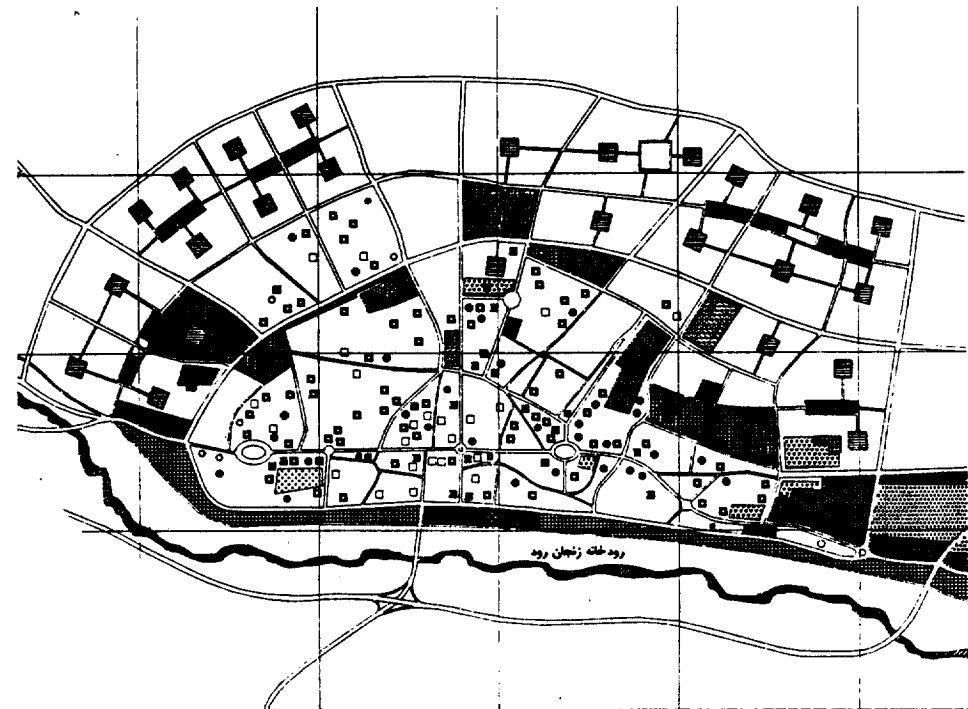
در سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵ استان زنجان ۱۵۸۸۶۰۰ نفر جمعیت داشته است که از این تعداد ۴۳٪ در نقاط شهری و ۵۷٪ در نقاط روستایی سکونت داشته اند تراکم جمعیت در این استان ۴۳/۷ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است . در این سرشماری شهرستان زنجان دارای ۴۵۸۵۰۳ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۴۶/۹٪ در نقاط شهری و ۵۳/۱٪ در نقاط روستایی سکونت داشته اند . تراکم جمعیت در این شهرستان برابر ۳۳/۱ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است .

در سال ۱۳۶۵ شهرستان زنجان دارای ۴۳۱۳۳ خانوار معمولی ساکن با ۲۱۴۵۰۲ نفر جمعیت بوده است ، از ۱۶۷۷۱۴ نفر جمعیت ۶ ساله و بالاتر این شهر ۶۷/۸ درصد با سواد بوده اند و از ۴۸۸۳۵ نفر شاغل ۱۰ ساله و بیشتر این شهر ۲۹۲ درصد در گروه کشاورزی دامپروری ، شکار ، جنگلداری و ماهیگیری ، ۱۸/۲ درصد در گروه عمده صنعت ، ۱۵/۱ درصد در گروه عمده ساختمان و بقیه در سایر گروههای عمده فعالیت اشتغال داشته اند

جمعیت استان زنجان در سال ۴۵ و ۵۵ و ۶۵ به ترتیب ۸۹۱۵۶۹ ، ۱۱۱۷۱۵۷ و ۱۵۸۸۶۰۰ نفر بوده است که بیانگر نرخ رشدی سه میزان ۱/۶ و ۲/۲ و ۳/۵ درصدی باشد . جمعیت استان جوان میباید بطوریکه ۴۸٪ از جمعیت آن زیر ۱۵ سال و ۴۹٪ بیس

ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۶۶۳ متر و معدل بارندگی سالانه آن ۳۴۰/۴ میلیمتر و حداکثر بارندگی در یک روز ۵۰ میلی متری باشد .

جهت وزش باد در این شهر از شرق به غرب میباید ، گرچه در ماههای مختلف سال بادهای غرب به شرق نیز فراوانند .



طرح جامع - کاربری اراضی پیشنهادی شهر زنجان

۱۵-۶۴ و ۳٪ در بالای ۶۵ سال می باشند .

- شهرنشینی در استان زنجان از ۲۳٪ در سال ۱۳۴۵ به ۴۳٪ در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است .

- در دودهد گذشته استان زنجان شاهد رشد محسوس شهرنشینی و صنعت بوده است . محدودیت های احداث صنایع در ۱۲۰ کیلومتر متری تهران ، الحاق شهرستان قزوین به استان زنجان ، اشباع استقرار صنایع در شهرستان قزوین و سرریزان به حوالی شهرستان زنجان مقام صنعتی این استان را بعد از تهران - اصفهان و مرکزی به درجه چهارم در کشور رسانده است .
آموزش عالی :

در شهر زنجان مدرسه عالی کشا و رزی در سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳ تا سیس و سپس به دانشکده کشا و رزی و با لخره به مجتمع آموزش عالی تبدیل می شود و در حال حاضر با داشتن رشته های مختلف در ۴ حوزه فنی - کشا و رزی - علوم و ادبیات فارسی فعالیت می کند .

دانشگاه آزاد اسلامی نیز از سال ۱۳۶۴ در رشته های عمران ، حسابداری ، کشا و رزی و علوم انسانی شروع به فعالیت نموده است . دانشگاه علوم پزشکی نیز از سال ۱۳۶۷ فعالیت خود را آغاز نموده که بعداً " مورد بحث قرار خواهد گرفت .

بررسی آمار دانا شجویان ، فارغ التحصیلان و کادرمراکز آموزش عالی در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۷ و مقایسه آنها با یکدیگر

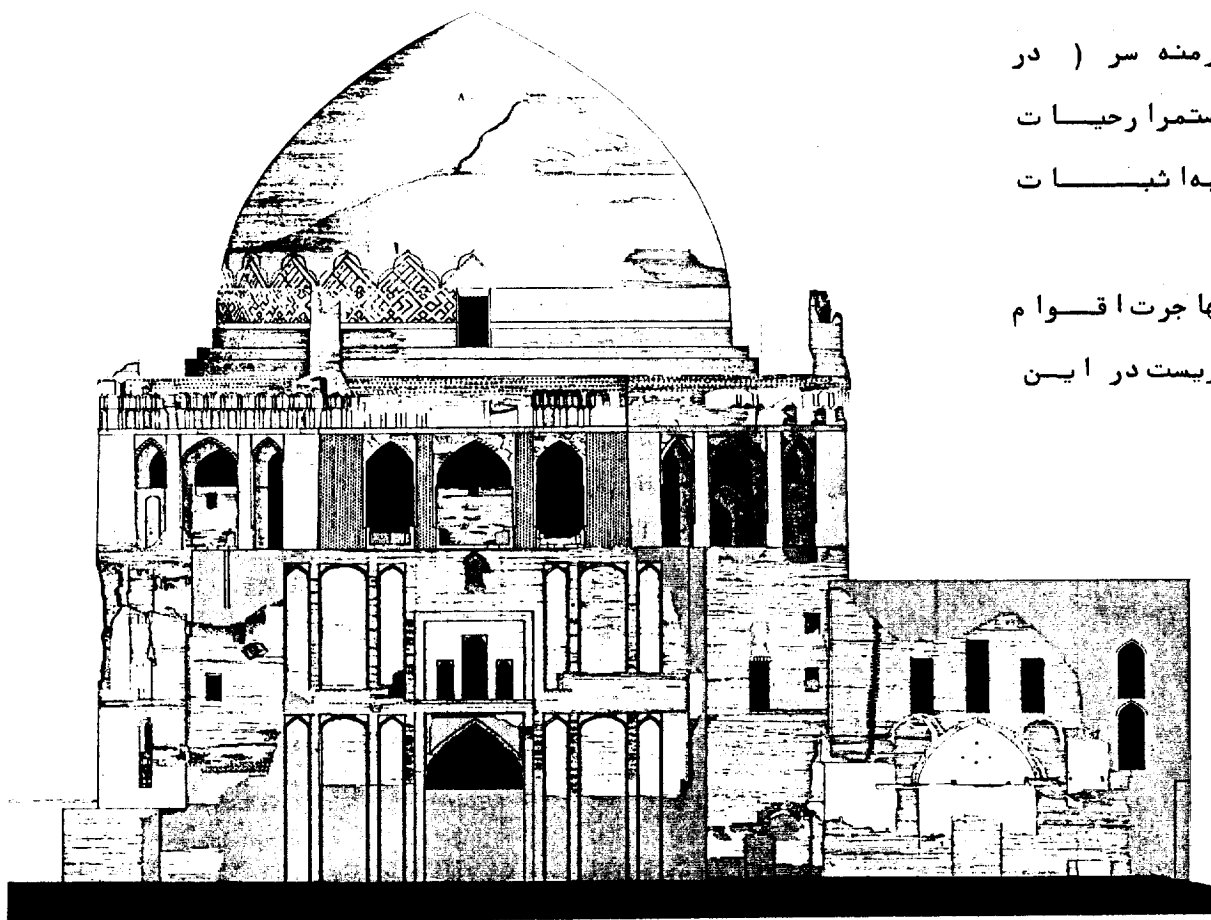
نشان دهند و رشد و گسترش آموزش عالی در استان زنجان در طی این سالهاست ، در سال ۱۳۶۳ تعداد دانشجویان استان زنجان ۴۸/۵ درصد کل دانشجویان کشور را تشکیل میداد ، این آمار در سال ۱۳۶۷ به یک درصد ترقی کرده است ، همچنین تعداد کادرمراکز آموزش عالی استان در سال ۶۳ برابر ۴۲/۵ درصد کادرمراکز کل کشور بوده است و این رقم در سال ۱۳۶۷ به ۴۸/۱ درصد رسیده است ، اما علیرغم این رشد با در نظر گرفتن اینکه در حدود ۳ درصد جمعیت کشور در استان زنجان ساکن هستند گسترش بیش از پیش مراکز آموزش عالی در این استان ضروری می باشد .

سابقه تاریخی :

- غار گلجیک (در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی شهر زنجان)
به ابعاد ۷۰۰ متر در ۱۰۰ مترو با ارتفاع ۵۰ متر که آثار -
زیستی دوره آشولین متعلق به شانزده هزار سال قبل از
میلاد را در خود حفظ کرده موید کهن ترین محل زیستی
زنجان می باشد .

- غارهای کتله خور (در گرماب خدا بنده) ، خرمنه سر (در
روستای شاه نشین طارم علیا) نشانه های استمرار حیات
در این منطقه را تا هزاره ششم قبل از میلاد به اثبات
میرساند .

- از تمامی دوران حکومتی در ایران بعد از مهاجرت اقوام
آریایی به این خطه مدارکی دال بر تداوم زیست در این
شهر در دست می باشد .



بازار زنجان :

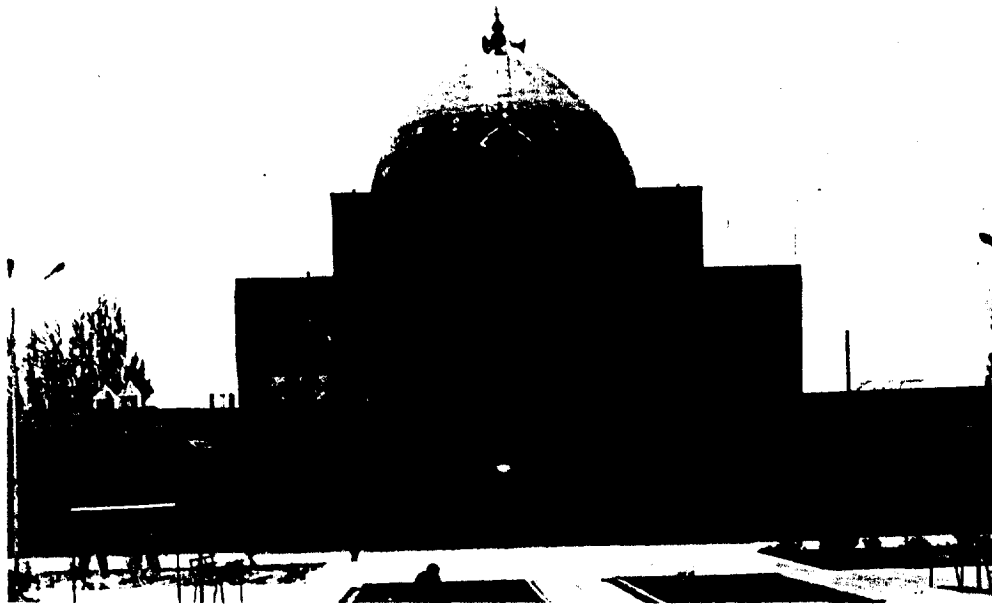


بازار زنجان

بازار زنجان در قلب بافت قدیمی شهر و در راستای راه های ورودی قرار گرفته و از نظر تاریخی به دو قسمت بازار - بالا و پایین تقسیم می شود، بازار پایین در اوایل دوران صفویه حدود سال ۹۵۰ هجری - قمری در دوران شاه طهماسب احداث گردیده است . مجموعه بازار بالا در حدود سال ۱۲۰۰ هجری قمری در دوران آقا محمدخان قاجار ساخته شده که شامل بازار قیصریه ، بازار بزازها ، بازار حجه الاسلام ، بازار امامزاده و بازار عبدالعلی بیگ می باشد، این بازار از مجموعه بناهای بسیار ارزشمند است که بخوبی حفاظت گردیده و از نظر تولید و عرضه کالا و خدمات جنبی وابسته، غنی می باشد، مجموعه بازار دارای ۸ راسته و ۸ باب کاروانسرا و ۵ مسجد می باشد .

مسجد جامع زنجان :

مسجد جامع شهر که به مسجد سید معروف می باشد توسط عبدال.. میرزا (از نوادگان فتحعلی شاه قاجار) در دوران حکمرانی اش بر شهر ساخته می شود . این مسجد بر اساس طرح مساجد ۴ ایوانی ساخته شده و طبق معمول ایوان ورودی -



مسجد جامع زنجان

مقابل شاه نشین گنبد دار قرار گرفته است . گنبد مسجد دو
جداره و بدون گوشواره و عرقچین بر روی پلان چهار ضلعی جوزها
قرار گرفته و دارای ۲۰/۵ متر ارتفاع و ۱۱/۸۰ متر قطر دانه:
است . در پانزدهم گنبد در نمای بیرونی سوره ادهربا خط ثلث
در نهایت زیبایی اجراء شده .

گنبد سلطانیه :

این گنبد که از افتخارات معماری کشورمان محسوب
میشود از بزرگترین گنبدها و بناهای جهان میباشد که در قرن
هشتم هجری بنا نهاده شده است .

سلطان محمد خدا بنده بلافاصله بعد از به حکومت رسیدن .
در سال ۷۰۲ هجری دستور داد در سلطانیه شهری بسا زندکده دور
آن ۳۰ هزار گام باشد و سپس به ساختن گنبدی عظیم میباشد
ورزید ، برای این کار او تمام هنرمندان و صنعتگران و تجار
ایران را به شهر سلطانیه کوچ داد و بزرگان و درباریان را
دستور داد که هر کدام محله ای از شهر را بسا زندکده در آن مسجد
خانقاه ، بیمارستان ، مدرسه و مهمانسرا باشد ، در سال ۷۱۰ -
هجری قمری کار ساختن شهریاریان می گیرد ولی بعد از مرگ
سلطان (۶ سال بعد) بلافاصله به افول می گراید و با حمله
امیر تیمور گورگانی بسا ۷۸۶ هجری صدمات زیادی به شهر
وارد می آید ، گنبد سلطانیه اولین کانون شکل گیری سبک

آذری می باشد.

پلان گنبد هشت ضلعی می باشد، قطرداخلی بنا تقریباً " ۲۶/۵ متروفاصله بین دووجه خارجی آن ۳۹/۵ مترمی باشد ضخامت بنا (جرزها) حدود ۷/۴۰ متراست ، دربین جرزهای هشتگانه پلکانهای مارپیچی وجودداردکه طبقه زیرین را به طبقات دوم و غرفه های نما ی خارجی و مناره های هشتگانه متصل می کندولی فقط دوپلکان زوایای شمالی و پلکان جنوب غربی است که تا انتهای طبقه سوم و مناره ها ادامه می یابد . قطر گنبد ۳۶ مترو ارتفاع آن تا کف ۵۲ مترمی باشد . پایه داخلی گنبد بر روی پلان دایره ای شکل که از پیش آمدگی تدریجی طرح هشت گوش بالای اتاق بوجود آمده قرار دارد و ضخامت آن یک متر می باشد . گنبد دوجداره بوده و فاصله بین دوجداره ۶۰ سانتی مترو ضخامت گنبد ۱/۴۰ متراست .

